

سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی: شاعر ملی دوران مشروطیت

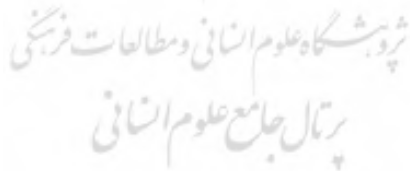
افتخار قاسم زاده^۱

تابنده قلی‌زاده^۲

چکیده

سید اشرف‌الدین حسینی، شاعر نام‌آور عصر مشروطیت بلکه یکی از پر آوازه‌ترین شعرای طنزسرای تاریخ ادب فارسی می‌باشد که اشعار وی سرشار از مضامین سیاسی و اجتماعی است که با زبانی عامیانه بیان شده است و به دلیل استفاده از عنصر طنز باعث شده است که مضامین اشعار وی تا عصر حاضر تازگی و ماندگاری خود را حفظ کنند و مورد استقبال مردم قرار بگیرند و ما در این پژوهش کوشیده‌ایم با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، تصویری از زندگی و آثار وی ارائه کنیم. به همین منظور ابتدا به بحث درباره زندگی این شاعر ملی، از ولادت تا وفات وی پرداختیم و سپس گزارشی از آثار و تألیفات وی بیان کرده و در نهایت مضامین و محتوای اشعار سید اشرف‌الدین را که به صورت طنز انتقادی با مضامین سیاسی و اجتماعی نظیر نهضت مشروطه، سران کشور، بیگانگان، زمزمه‌های جمهوری، فقر و فاصله طبقاتی، وطن، جهل و خرافات، زن و نقش اجتماعی او که در روزنامه نسیم شمال منتشر می‌ساخت، بررسی شده است.

واژگان کلیدی: سید اشرف‌الدین حسینی، نسیم شمال، مشروطیت، شاعر ملی، روزنامه‌نگار.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و معلم وظیفه آموزش و پرورش شهرستان خداآفرین. (نویسنده مسئول)

eftekhargasemzadeh@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی - دانشگاه شهید بهشتی تهران.
gholizadeh.T@yahoo.com

مقدمه

بیشترین بخش‌های تاریخ را حضور افرادی پرکرده است که به خاطر اعمال، رفتار یا افکارشان، از سایر افراد جامعه جدا شده و شهرت یافته‌اند. این افراد در بلندی و پستی تاریخ، باعث وقوع رویدادهایی شده‌اند که تأثیری عمیق در آینده زندگی بشر داشته است. به روایتی اینان به‌عنوان سرچشمه دگرگونی‌های مثبت و منفی، ویرانگر و سازنده، شناخته‌شده و بدین سبب به نام خواص شهرت یافته‌اند. کسانی که در دو جبهه حق و باطل قرار گرفته و عملکرد، موضع‌گیری و گفتار آن‌ها در موج‌آفرینی یا فرونشاندن امواج تأثیر بسزایی داشته است و حرکتشان حرکت عوام را به دنبال خود آورده است. شناسایی این افراد و تحقیق درباره شخصیت و زندگانی آن‌ها، از جهات مختلف از جمله گره‌گشایی از معماها و رویدادهای تاریخی مبهم، می‌تواند مفید باشد.

یکی از این مشاهیر، سید اشرف‌الدین حسینی، شاعر ملی و مبارز دوران مشروطیت می‌باشد که برای بیان معایب و نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری جامعه، زبان هنرمندانه و ذوق سرشار خود را به کار گرفته است که در اشعار ساده و مردمی خود به انتقاد اجتماعی و سیاسی از آن‌ها با استفاده از طنز انتقادی پرداخته است. رواج اینگونه اشعار در تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های ششم، هفتم و هشتم مقارن بوده است و در قرن‌های هفتم و هشتم شدت بیشتری دارد. با پیدایی انقلاب مشروطیت ادبیات انتقادی و طنز آلود رونق بیشتری می‌یابد.

جستجو در زندگی سیاسی و اجتماعی سید اشرف‌الدین و شخصیت ادبی وی و همچنین بررسی ویژگی‌های محتوای اشعار ایشان مانند مضامین سیاسی و اجتماعی عمده‌ترین مسئله‌ای است که این پژوهش می‌کوشد با توسل به روش توصیفی-تحلیلی به شرح آن همت گمارد. سید اشرف‌الدین شاعر ملی دوران مشروطیت بود که با صدور فرمان مشروطیت و آشنایی با رهبران مشروطه در گیلان باعث شد که درگیر مسائل روز کشور و یکی از مبارزان مشروطه گردد و با انتشار روزنامه نسیم شمال شعرهایش را که بیشتر جنبه طنز و انتقادی داشت به چاپ رساند. اشعار سید اشرف‌الدین به زبان مردم کوچه و بازار بود و با سادگی و صمیمیت زبانی و همچنین آزاداندیشی و صداقت ذاتی گوینده آن توأم شده بود. اشعار سیاسی سید اشرف‌الدین به دلیل بهره‌گیری از زبان طنز در بیان مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود، طراوت و تازگی خود را از دست نداده است و هنوز هم مورد استفاده مردم قرار می‌گیرند.

دوران کودکی

سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی (۱۲۸۸-۱۳۵۲ق / ۱۸۷۱-۱۹۳۳)، شاعر و روزنامه‌نگار به نام دوره مشروطیت که بعدها به سبب انتشار روزنامه‌ای با عنوان نسیم شمال، به «نسیم شمال» نیز معروف شد (منفرد، ۱۳۷۹، ج ۹: ص ۳۵).

سید شرف‌الدین در مثنوی با عنوان «در تأسیس نسیم و باغ بهشت» زادگاه تولدش را قزوین نام برده است:

«بنده در قزوین به دنیا آمدم
چندی از بهر تماشا آمدم
آمدم از غیب مطلق ناگهان
چند روزی سوی گلگشت جهان»
(سید اشرف‌الدین، ۱۳۷۵: ۶۳).

با توجه به اینکه در پسوند نام سید اشرف‌الدین، هم قزوینی و هم گیلانی آورده می‌شود با این اشعار معلوم می‌شود، محل تولدش قزوین بوده و هیچ شکی باقی نگذاشته است. این بیت فرض گیلانی بودن او را رد می‌کند و دلیل اینکه او را گیلانی نامیده‌اند این است که مدت زیادی در رشت زیسته و روزنامه نسیم شمال را در آن شهر انتشار داده است.

نام و نسب حقیقی سید اشرف‌الدین، از خاندان برغانی که امروزه به نام خانوادگی شهیدی معروف هستند، می‌رسد. پدرش «آقا عبدالله برغانی» (م ۱۲۸۹ق) امام جمعه وقت قزوین و فرزند «شیخ محمد تقی برغانی» مشهور به «شهید ثالث» و مادرش «سیده زهرا خانم» نام داشت (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۳۷ و ۳۸). پدر در زمان حیات و در آغازین روزهای تولد، نام «شمس‌الدین» برای او برگزید که سید اشرف‌الدین او را «پیر نورانی» (سید اشرف‌الدین: ۶۳) می‌نامد. مادرش اما پس از مرگ پدر، نام «اشرف‌الدین» بر وی نهاد.

«بُد مرا یک پیر نورانی پدر
مادرم از عترت خیرالبشر
اشرف‌الدین کرد مادر نام من
ریخت شهید معرف در کام من»
(سید اشرف‌الدین: ۶۳)

در شش ماهگی پدر خود را از دست داد و میراث پدرش غصب شد این رویداد او و خانواده‌اش را با فقر و تنگدستی روبه‌رو ساخت. خود وی می‌گوید:

«رفت بام سوی جنات النعیم
من شدم شش ماهه در قزوین یتیم
در یتیمی خانه ام را شیخ برد
ملک و مالم را ز روی غصب خورد
من شدم دیوانه از غوغای فقر
در به در گشتم ز استیلای فقر»
(سید اشرف‌الدین: ۶۳).

تحصیلات

اشرف‌الدین تحصیلات مقدماتی ادبیات عرب و علوم اسلامی تا دوره سطح را از شیخ عبدالرحیم قزوینی، ملاعلی طارمی و محمدعلی برغانی صالحی فراگرفت. در حدود سال ۱۳۰۵ق به توصیه میرزا علینقی برغانی صالحی ملقب به مدرس‌الطف (م ۱۳۲۰ق) نوه شیخ محمدصالح برغانی که متولی موقوفات جد خویش در ایران و عراق بود، برای ادامه تحصیل راهی عتبات شد. در مدرسه حسین‌خان قزوینی شهر کربلا از درس میرزا علامه برغانی صالحی (م ۱۳۱۰ق) و میرزا علینقی برغانی صالحی

بهره‌مند شد (عسگری، ۱۳۹۳، روزنامه اطلاعات، ش ۲۶۱۲۰؛ نک:حالت، ۱۳۵۰: ۲۴-۳۲؛ آزاده تفرشی، ۱۳۸۲: ۸). حدود سال ۱۳۱۰ق بعد از پنج سال که در کربلا و نجف زندگی کرد؛ به خاطر شور و شوق وطن پرستی که او نسبت به وطن داشت، او را به ایران بازگرداند و به قزوین آمد (آرین پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۶۱-۶۲).

«در جوانی با هزاران ابتلا
مدتی در کربلا و در نجف
بر سرم زد باز شور ملک جم
رفتیم از قزوین به سوی کربلا
معتکف بودم به صد وجد و شغف
آمدم از کربلا سوی عجم»
(سید اشرف‌الدین، کلیات: ۶۳).

سید اشرف‌الدین از قزوین به زنجان (دایرة المعارف تشیع، مدخل اشرف الدین گیلانی) و سپس در ۲۲ سالگی به تبریز سفر کرد (اشرف الدین، همان: ۱۴؛ آرین پور: همانجا). وی در تبریز به ادامه تحصیل پرداخت و نزد استادان آن دیار صرف و نحو، هیئت، جغرافیا، هندسه، فقه، منطق و کلام آموخت و چنانکه خود می‌گوید: با «پیری روشن ضمیر» دیدار کرد که تأثیر بسزایی در حیات روحی و معنوی وی نهاد (اشرف‌الدین: کلیات: ۶۳-۶۴؛ آرین پور: همان جا).

سید اشرف‌الدین و مشروطیت

نهضت مشروطه همگام با ایجاد تحولات سیاسی، جهشی فکری و جنبشی اجتماعی به وجود آورد که در اندیشه و افکار شاعران و نویسندگان تأثیری عمیق گذاشت و به شعر این عصر، سبک و شیوه-ای خاص بخشید. گویندگان آزاده‌ای که شور آزادیخواهی در سر و احساس پاک میهن دوستی در دل داشتند، با نغمه‌های آزادیخواهان هم‌نوا شدند و سخنگوی محرومان گشتند و برای آنان سخن گفتند و شعر سرودند. از آغاز مشروطیت، شعر و ادب فارسی بیشتر به بیان موضوعات ملی و میهنی همچون دفاع از محرومان و مخالفت با استبداد حکومت پرداخت و «صدای اصلی مشروطیت یا میهن پرستی است یا انتقاد اجتماعی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۳۶). در حقیقت نهضت انقلابی مشروطه از شاعرانی که به تغزل و عشق و مدیحه می‌پرداختند شاعرانی ملی و اجتماعی به وجود آورد.

برخی درونمایه‌های شعر دوران مشروطه عبارتند از آزادی، وطن، انتقادهای اجتماعی، غرب و صنعت آن که این درونمایه‌ها را در شعر سید اشرف‌الدین نیز جز مهمترین مضامینی می‌یابیم که وی به آن‌ها توجه داشته است. علاوه بر این مضامین، وی به موضوعات سیاسی و اجتماعی دیگری همچون انتقاد از وزرا و وکلا، تجلیل از مشروطه و سپس ناامیدی از آن و نگرانی از اوضاع کشور، شکوه از جهل و خرافات و تشویق به دانش و پیشرفت‌های دنیای جدید، فقر و بیچارگی مردم و فاصله طبقاتی، توجه به زنان و ضرورت علم آموزی آنان پرداخته است. در یک نگاه کلی می‌توان درونمایه شعر سید اشرف‌الدین را شامل دو دسته یکی درونمایه سیاسی و دیگری درونمایه اجتماعی دانست. در مضامین سیاسی شعر نسیم شمال سخن او حول محور استبداد شاه، بی‌کفایتی وزیران و

نمایندگان مجلس و عدم توجه آنان به مردم و نهضت مشروطه می‌چرخد و در مضامین اجتماعی اصلی‌ترین موضوع سخنش مردم و مسائلی است که با آن دست به گریبانند (قدریان، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۵).

در سال ۱۳۲۴ ه.ق با مهاجرت سید اشرف‌الدین به رشت که با صدور فرمان مشروطیت همزمان بود تحول اساسی در زندگی رخ داد. آشنایی با رهبران مشروطه در گیلان باعث شد که درگیر مسائل روز کشور و یکی از مبارزان مشروطه گردد. مردم گیلان وی را مورد عنایت خود قرار دادند و اشرف‌الدین در آنجا شعرهای ابتدایی خود را سرود و با انتشار روزنامه نسیم شمال شعرهایش را که بیشتر جنبه طنز و انتقادی داشت به چاپ رساند. بنیان‌گذار روزنامه نسیم شمال خودش بود ضمن آنکه اشعار دیگران را در آن چاپ نمی‌کرد (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۶۲).

انقلاب مشروطه حاصل حرکت گروه‌های مختلف جامعه بود. گروه‌هایی که افق اجتماعی گوناگون و دیدگاه‌های متمایز و گاه به کلی مغایر داشتند. «روشنفکران، روحانیون و بازرگانان سه عنصر اصلی سازنده نهضت بودند» (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۵۰) و جهت کلی حرکت عمومی مشروطه‌خواهی «برانداختن نظام مطلقه و تأسیس دولت ملی بود» (همان: ۱۵۰). سید اشرف‌الدین نیز که خود از میان مردم برخاسته بود، پیشاپیش آنان و در مسیر حرکت و آرمان آنان گام می‌زد و همدوش با مجاهدان برای استقرار آزادی می‌جنگید. شعر او نیز کوبنده‌تر از سلاحش بود و تا قلم در دست داشت لحظه‌ای از تهییج و تشویق مردم به ایستادگی و آگاهی غفلت نکرد. وی مشروطه را درختی می‌دانست که ثمره آن عدالت و مساوات است (سید اشرف‌الدین، کلیات: ۲۲۱) و جنبازی در راه آن را سربلندی و سعادت می‌دانست (همان: ۱۸۴-۱۸۵). وی در جایی مردم تبریز را به دلیل این که خلعت مشروطه را به بر کرده‌اند می‌ستاید و از آنان به حمایت بر می‌خیزد (همان: ۱۸۵-۱۸۶).

در سال ۱۳۲۶ ه.ق محمد علی شاه برای اینکه شورش تبریز به رشت راه نیابد، آقابالاخان که ملقب به سردار افخم است را با همراهی سپاهی بزرگ به رشت می‌فرستد و او را به حکومت این شهر منصوب می‌دارد. به محض رسیدن، سردار افخم انجمن ملی را منحل و شروع به دستگیری آزادیخواهان می‌کند و در این راه با تمام قوا به خشونت متوسل می‌شود (نویسی، ۱۳۲۶: ۴۶).

خشونت سردار افخم به مطبوعات این شهر می‌رسد و روزنامه نسیم شمال توقیف می‌شود؛ اما سیداشرف از مبارزه دست نمی‌کشد و به عضویت «کمیته ستار» در می‌آید. اعضای این کمیته شامل عبدالحسین خان معزالسلطان، سردار محیی و میرزا کریم خان رشتی و تعدادی دیگر از مبارزان رشت بودند. کمیته ستار با رهبران سوسیال دموکرات قفقاز برای تهیه اسلحه و تهیه نقشه‌های پیشبرد انقلاب همکاری داشت (فومنی، ۱۳۵۳: ۲۳۱ و ۳۳۴؛ ملک زاده، ۱۳۲۸: ج ۵: ۱۰۵۰).

با گذشت شش ماه از حکومت سردار افخم و اعمال خشونت به مردم، سید سلاح بر می‌دارد و با آزادیخواهان در روز ۱۶ محرم ۱۳۲۷ هجری قمری، شهر رشت را تصرف می‌کنند. شش روز بعد از

تصرف رشت توسط آزادیخواهان؛ یعنی در ۲۴ محرم ۱۳۲۷ هجری قمری، روزنامه نسیم شمال مجدد انتشار می‌یابد و سید به عنوان سخنگوی آزادیخواهان وارد صحنه می‌شود. شاه دوباره انقلابیون را تهدید می‌کند و سید در جواب او قطعه‌ای تند و محکم می‌سراید.

انقلابیون گیلان و در راس آنها سید اشرف‌الدین در روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری، وارد شهر قزوین شدند. مردم با دیدن او، به رقص و پایکوبی پرداختند و شعرهایش را با صدای بلند می‌خواندند. بعد از چند ماه، انقلابیون به سوی تهران رفتند و پس از مدتی جنگ و درگیری با قزاقان، سرانجام در روز ۲۷ جمادی الآخر سال ۱۳۲۷ هجری قمری تهران به اشغال مبارزان درآمد و این پیروزی، نام «فتح ملی» گرفت. محمدعلی شاه از سلطنت خلع و پسر خردسالش احمد شاه به سلطنت می‌رسد. سید اشرف نیز به مناسبت فتح تهران، تصنیفی می‌سراید. روزنامه نسیم شمال از این پس در تهران منتشر می‌شود. سید، اشعار انتقادی و فکاهی خود را هر هفته در نسیم شمال به چاپ می‌رساند. مضامین اشعارش دفاع از ایران و دشمنی با متجاوزان به میهن بود.

دوران کهولت سید اشرف‌الدین و وفات وی

سید اشرف‌الدین در اواخر عمر، دستخوش آلام جسمی و روحی شد و به علت خستگی و حوادث زندگی و بالا رفتن سن، آن نشاط اولیه را از دست داد و همین امر بهانه به دست حکومت داد تا او را به دارالمجانین ببرند. باید در اینجا به این نکته اشاره کرد که گزارش‌ها درباره‌ی بیماری روحی سید اشرف‌الدین، تا حدودی مبهم و متناقض هم می‌باشد. برخی گفتند احتمالاً وی در ۱۳۰۹ ش دچار اختلال حواس شد (اسحاق، ۱۳۷۱: ۱۷۷؛ فخرایی، ۱۳۵۲: ۲۷۱؛ صفایی، ۱۳۷۱: ۲۵) اما به گفته‌ی سعید نفیسی «نشانه‌ی جنونی در این مرد بزرگ» نبوده است (۱۳۳۴: ۱۱). با احتساب گزارش‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت، وی دچار نوعی بیماری روحی شده بود، زیرا چنانکه او خود می‌گوید در ۱۳۰۲ ش به سبب اختلال روحی به استراحت و معالجه پرداخته بود (یعمایی، ۱۳۵۴: ۳۳).

در نهایت باید گفت که دوره‌ی درخشان وی سپری و با فقر و نیستی دست به گریبان شد. سرانجام سید اشرف‌الدین گیلانی قزوینی معروف به «نسیم شمال»، شاعر ملی و روزنامه نگار و طنزپرداز عصر مشروطه، به تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ شمسی در نهایت فقر و پریشانی و تنگدستی در سن ۶۳ سالگی درگذشت (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۹۷-۲۹۸؛ قس: قزوینی، ۱۳۳۷، ج ۸: ۱۵۱، که سال وفات را ۱۳۰۲ ش ذکر کرده است) و او را در گورستان ابن بابویه به خاک سپردند (گلریز، ۱۳۶۸: ۶۹۷؛ نجف دری، ۱۳۶۳: ۴۴).

آثار و تألیفات

سید اشرف‌الدین حسینی در طول دوران حیات خود تألیفات و آثاری از خود بر جا گذاشت که هم به نثر می‌باشند و هم به نظم که بدین ترتیب می‌باشند:

۱. نسیم شمال: مهم‌ترین اثر او روزنامه نسیم شمال است. نشریه‌ای اجتماعی و سیاسی و طنزآمیز بود که سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی در دوران جنبش مشروطه ایران ابتدا در رشت و سپس در تهران منتشر می‌کرد.

۲. باغ بهشت، که منتخبی از اشعار اوست. این اثر ابتدا در جمادی الاخر ۱۳۳۸ در تهران و پس از آن بارها از جمله در ۱۳۴۳ق، در بمبئی به چاپ رسید. اشعار باغ بهشت همان اشعار مندرج در نسیم شمال است که غالباً بنا به تمایل شاعر و به اقتضای تحولات سیاسی و اجتماعی روز، تغییراتی در آن‌ها پدید آمده است. باغ بهشت با نظارت خود شاعر به چاپ رسید و آگهی فروش آن در نسیم شمال درج شد. در ذیل شعرهای باغ بهشت برخی از اسامی مستعار اشرف آمده است (نجف دری: ۴۸ و ۵۱).

۳. بشارت ظهور، ترکیب بند مفصلی در ۲۴ بند ۱۵ بیتی و مجموعاً بالغ بر ۳۶۰ بیت که موضوع آن ظهور حضرت مهدی (ع) است و با قطعه نثری در بیان بیداری مسلمانان و احیای میراث اسلامی، و دو قطعه شعر متناسب با موضوع ترکیب‌بند به پایان می‌رسد. این منظومه به طور مستقل در ۱۳۳۱ق به چاپ رسید.

۴. تاریخ مختصر ایران به شعر، این کتاب به طرز سؤال و جواب است، معلم سؤال می‌کند و شاگرد به نظم جواب می‌دهد. نام دیگر این کتاب «منظومه اشرفیه» است که در سال ۱۳۳۳ق با هزینه محمدخان، فرزند سردار معتمد گیلانی در تهران به چاپ رسیده است. اشرف‌الدین، این کتاب را به لحاظ آسانی که محصلین ابتدایی بتوانند آن را به سهولت از بر کرده و نام پادشاهان هر طبقه را به خاطر بسپارند، به رشته نظم کشیده است. این کتاب مشتمل بر چهار بخش است:

الف) تاریخ قدیم (از اول پیشدادیان تا صدر اسلام).

ب) تاریخ قرون وسطی (از صدر اسلام تا هجوم چنگیزخان).

ج) تاریخ جدید (از هجوم چنگیز تا اول سلطنت قاجاریه).

د) تاریخ معاصر (از اول سلطنت قاجاریه تا اول سلطنت احمدشاه).

۵. گلزار ادبی، منظومه‌ای از داستان‌های پندآموز مشتمل بر ۳۳ حکایت از زبان حیوانات که غالباً از داستان‌های لافونتن و فلورین ترجمه شده، و هدف از تألیف آن، تهیه کتاب درسی برای کلاس‌های ابتدایی بوده است. ظاهراً اشرف‌الدین در ترجمه آن از کمک‌های آقامیرزا حسن‌خان نماینده معارف گیلان بهره برده است. این کتاب در ۱۳۳۱ق در تهران به چاپ رسیده است.

۶. عزیز و غزال، اثری عاشقانه به نظم و نثر که بدون نوآوری خاصی از رومئو و ژولیت اقتباس شده است. این اثر ابتدا به صورت پاورقی‌های دنباله‌دار در نسیم شمال، و سپس به طور کامل در ۱۳۰۹ش در تهران منتشر شد.

۷. کتاب کوچکی در رشت در زمینه حکمت که در رشت چاپ شده است (محمدخانی: ۴۹-۵۰). حسین نمینی آثار اشرف الدین را در مجموعه جاودانه سید اشرف الدین گرد آورده، و در ۱۳۶۳ش در تهران به چاپ رسانده است. در همان سال، حسین نجف دری در رساله پایان نامه دکتری خود تمام اشعار اشرف الدین به ویژه شعرهای دوره اقامت او در رشت و دیگر آثار وی را با حواشی مفصل در مجموعه‌ای منقح گرد آورد. در الذریعه به آثار دیگری از سید اشرف الدین با نام‌های نهضت بانوان، ظهور امام و ارفع نامه نیز اشاره شده است (۱۴۰۳ق، ج ۹: ۱۱۸۶).

مضامین و محتوای اشعار سید اشرف الدین

ارتباط شاعر با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده، می‌تواند بر محتوای شعرش اثرگذار باشد و یا برعکس، ادبیات می‌تواند تأثیر خود را بر محیط و جامعه داشته باشد. سید اشرف الدین در جامعه‌ای زندگی می‌کرده است که اشعارش با مضامینی سیاسی و اجتماعی در خدمت رشد و آگاهی عمومی و انعکاس دردهای اجتماعی بوده است. طنز جوهر و مایه شعر سید اشرف الدین است که با بیانی ساده و قابل فهم حوادث و مشکلات موجود در جامعه را به تصویر می‌کشید. سخنان اشرف الدین به مناسبت حوادث جدید سیاسی، طرح مسائل تازه و وقایع ایام، اعیاد مذهبی و مناسبت‌های دیگر سروده می‌شد و مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت زیرا که به زبان مردم سخن می‌گفت. هیچ طبقه‌ای از جامعه، برای فهم کلام او نیازمند هیچ واسطه‌ای نبودند. از سروده‌های سید اشرف الدین می‌توان به سهولت اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و تربیتی جامعه آن روزگار پی برد و همین ویژگی‌هاست که آثار سید اشرف الدین را به مأخذ پرمایه مطالعات سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده است.

در جدول زیر اشعار سید اشرف‌الدین را از نظر مضامین سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی چنین می‌توان تقسیم کرد.

جدول ۱: مضامین اشعار سید اشرف‌الدین حسینی

| سیاسی | اجتماعی | اخلاقی | فرهنگی | اقتصادی |
|--|--|--|---|---|
| نارضایتی از اوضاع جامعه | ظلم ستیزی | درد و اندوه از بی رونقی علم و علما و مدرسه | وطن دوستی | گله و شکایت از گرانی کالا و اوضاع بازار |
| نارضایتی از اوضاع مجلس و مشروطه | مذمت نفاق | ناپایداری دنیا و اندیشه‌ی مرگ | ضرورت علم آموزی و ادب ورزی | تفاوت جایگاه اقتصادی فقیر و غنی و توصیف درد فقر |
| کوتاه شدن دست دزدان از مملکت و امید به آباد شدن کشور | شکایت از بی-تفاوتی به وضع مشیعتی و نابسامانی‌های جامعه | انجام واجبات و عبادات | باستان‌گرایی و تفاخر به پیشینه‌ی تاریخی | |
| مخالفت با دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران | | توصیه به نیکوکاری و خدمت به خلق | حمایت از حقوق زنان | |
| | | شکایت از بی انصافی و بی عدالتی | | |

سادگی، روانی و بی‌پیرایگی و استفاده از زبان طنز در شعر سید اشرف‌الدین، موجد ظهور شیوه‌ای نو در شعر فارسی این دوره گردید؛ به طوری که که بین زبان شعری او با زبان محاوره‌ای عامه‌ی مردم هیچ تفاوتی نمی‌توان مشاهده کرد؛ به راستی سید اشرف‌الدین چنان ساده و زیبا می‌سرود که بر دل پیر و جوان، زن و مرد و عارف و عامی می‌نشست و اشعار او چنان از صمیمیت شگفت‌آوری لبریز بود،

که انسان را ناگزیر به دوست داشتن سراینده‌اش وا می‌داشت و بدین جهات بود که یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین شاعران ملی عهد انقلاب شد.

نتیجه‌گیری

سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی، از شاعران برجسته دوران مشروطیت بود که با زبان طنزگونه و عامه‌پسند خود، نقش بسزایی در بیداری مردم داشت. وی با تمام وجود به نظام مشروطه و حاکمیت قانون اعتقاد داشت و معتقد بود که نظام مشروطه عقلاً و شرعاً صحیح است. شکل‌گیری قانون و پایبندی به آن، جوهره مشروطه خواهی است و در سایه قانون است که عدالت برپا می‌شود و دست ظلم و تجاوز از سر مردم کوتاه می‌شود. سروده‌های وی حاوی اطلاعات گرانبهایی درباره‌ی دوران مشروطیت و حوادث عصر خویش است. وی با بیان و سرودن اشعار اعتراضی، متناسب با اوضاع و احوال جامعه در قالب طنز، سعی در برطرف نمودن مشکلات داشته است.

سید اشرف‌الدین شاعری بود دردمند، از اینکه مردم در فقر و فلاکت به سر می‌برند و به آن‌ها ظلم می‌شود، بسیار نگران بود؛ همین عامل هم او را به مبارزه با حاکمان جبار می‌کشاند. به حق، او آیینۀ تمام نمای روزگار خویش بود و مضامین شعری او، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و ... است که همه این مضامین را، به زبان طنز، شوخی و بذله بیان می‌کرد و اشعار خویش را، به وسیله روزنامه «نسیم شمال» که خود بنیان‌گذار و نویسنده‌اش بود، منتشر می‌ساخت.

منابع

کتاب‌ها

- ≠ آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام تهران.
- ≠ آراین پور، یحیی. (۱۳۵۷). از صبا تا نیما. ج ۲، تهران: زوار.
- ≠ آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه. ج ۹، بیروت: دارالاضواء.
- ≠ اسحاق، محمد. (۱۳۷۱). سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر. با مقدمه و بازنگری محمد اسماعیل رضوانی، تهران: نشر طلوع.
- ≠ سید اشرف الدین گیلانی. (۱۳۷۵). کلیات. با مقدمه و اهتمام: احمد اداره‌چی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- ≠ شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۹). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: انتشارات توس.
- ≠ صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان: نشر کمال.
- ≠ صفایی، ابراهیم. (۱۳۷۱). پنجاه خاطره از پنجاه سال. تهران: انتشارات جاویدان.
- ≠ فخرایی، ابراهیم. (۱۳۵۲). گیلان در جنبش مشروطیت. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ≠ فومنی، عبدالفتاح. (۱۳۵۳). تاریخ گیلان و نقش گیلان در نهضت مشروطیت در ایران. به کوشش عطاءالله تدین، تهران: فروغی.
- ≠ قزوینی، محمد. (۱۳۳۷). یادداشت‌های قزوینی. به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ≠ گلرین، محمدعلی. (۱۳۶۸). مینودر. قزوین: نشر طه.
- ≠ محمدخانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). شاعر مردم. یادنامه، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- ≠ ملک زاده، مهدی. (۱۳۲۸). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: ابن سینا.

مقاله‌ها

- ≠ آزاده تفرشی، فریدون. (۱۳۸۲). «سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) (انسان وارسته‌ای در تاریخ مطبوعات کشور)»، مجله پیام بهارستان، شماره ۲۹ (۸ صفحه - از ۶ تا ۱۳).
- ≠ حالت، ابوالقاسم. (۱۳۵۰). «نسیم شمال». مجله تلاش. شماره ۳۰، صص ۲۴-۳۲.
- ≠ دایرة المعارف تشیع. (۱۳۶۸). مدخل اشرف‌الدین گیلانی. به کوشش احمد صدرحاج سیدجوادی و دیگران، تهران: دایرة المعارف تشیع.

- ≠ عسگری، حسین. (۱۳۹۳). «تام و نسب نسیم شمال». روزنامه اطلاعات، ش ۲۶۱۲۰ (ضمیمه فرهنگی، ش ۲۱۴).
- ≠ منفرد، افسانه. (۱۳۷۹)، اشرف الدین گیلانی قزوینی. ج ۹، بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ≠ نفیسی، سعید. (۱۳۳۴)، «خیمه شب بازی»، مجله سپید و سیاه، شماره ۳۵۳۱.
- ≠ نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۶). «ورقی از تاریخ مشروطه: انقلاب گیلان چگونه آغاز شد؟». مجله یادگار، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۴۱-۵۵.
- ≠ یغمایی، حبیب. (۱۳۵۴). «یادی از «نسیم شمال»». مجله یغما، شماره اول.

پایان نامه ها

- ≠ قدریان، احمدرضا. (۱۳۷۸). زندگی و شعر سید اشرف الدین گیلانی، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، دانشکده زبان و ادبیان فارسی، دانشگاه یزد.
- ≠ نجف دری، حسین. (۱۳۶۳). نقد و بررسی و گردآوری اشعار سید اشرف الدین حسینی. پایان نامه دکتری ادبیات فارسی، نسخه دست نویس، تهران.

